

رضا رفیع



## گرامیداشت علمی گرامیداشت قلم

۱۴ تیر در ایران، روز ملی قلم است. روز سخن گفتن و ستایش کردن از مقام و منزلت قلم و آنچه می نویسد (نوالقلمو ما یسطرون). و چه زیبا نوشت دکتر علی شریعتی که: «هرکسی توتمی دارد، و توتم من «قلم» است. هر قبیله ای توتمی را می پرستد که روح جد نخستین همه افراد قبیله در او حلول کرده است و قلم توتم قبیله من است. خدای همه قباایل، خدای همه عالمیان بدان سوگند می خورد. به هرچه از آن می تراود، سوگند می خورد. به خون سیاهی که از حلقومش می چکد، سوگند می خورد. قلم انیس غربت من و رفیق تبعید من و مخاطب نوع چهارم من و همدم خلوت تنهایی و عزلت من و یادآور سرگذشت و یادآور سرشت و بازگوی سرنوشت من است...». و قلم، سرشت و سرنوشت «محمدعلی علمی» هم بود. آن که با قلم زیست و با قلم خفت. آنقدر در قلمرو فرهنگ دیرین و تاریخ تمدن و ادبیات کهن این سرزمین دراز دامن قلم زد تا از پا افتاد. داستان علمی، روایت یک انسان عاشق قلم است. حکایت آن دلباخته و دلدا به اسطوره های این خاک گهرخیز که فراز و فرود رنج ها و زخم های بی شمار مردمانش را قصه گویی می خواست که از کنار ارگ بم برخاست، قصه گوی مردم.

مردی کویری و صافی چون صحرائی جنون که به ثبت و ضبط فرهنگ مردم و روایت داستان اسطوره های دیرین این دیار بنشیند. شبیه کار سترگی که فردوسی بزرگ کرد. از همان جنس و همان سنخ که او کوشید و عجم زنده کرد بدین پارسی. و علمی هم درد هويت ملی مردمانش را داشت. مردمانی با فرهنگ و ادبیاتی کهن که سرشار و غنی از حکمت و معرفت و مهربانی و عشق و لبخند بود. و در یک کلام، لبریز از زندگی.

و علمی، قلمدار این میدان بود. بر زمین اکنون راه می رفت، اما سر بر آسمان تاریخ اسطوره ای این مرز پر رمز و راز می سایید. او به دقت و درستی همچون فرخی یزدی، شاعر و روزنامه نگار آزادخواه عصر مشروطیت، می دانست و بر این باور پایدار بود که:

در دفتر زمانه فتند نامش از قلم

هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشتند  
در پیشگاه اهل خرد نیست محترم

هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت  
و از قضا، امسال، روز قلم، به رویداد فرهنگی و ادبی

گرامیداشت یکی از این اجله و اعزة اهل قلم نیز اختصاص دارد. محمدعلی علمی که خود را روایتگر و قصه گوی مردم در عصر مدرنیته و در پیوند با ادبیات مدرن جهان امروز می دانست. قدردانی از علمی، قدردانی از قلم است. این دو مقوله در هم آمیخته اند. و این گرامیداشت، ابتکاری است که امسال، روزنامه صد ساله اطلاعات، پیشتاز انجام آن شده است تا با گرامیداشت مقام و منزلت یکی از بزرگان اهل اندیشه و قصه، روایتگر شخصیتی دوست داشتی در عرصه ادبیات داستانی و فرهنگ مردم و اسطوره شناسی باشد. کسی که سال ها با مؤسسه اطلاعات و نشریات زیرمجموعه آن همکاری تحریری داشت. حتی آن زمان که از تهران کوچ کرد و در کنج دنج بم، جهانی شد بنشسته در گوشه ای!

اهدای تندیس قلم روزنامه اطلاعات به یاد آن نام بلند، فتح باب مسیری است روشن و امیدبخش که هرساله این قلم نمادین از سوی مؤسسه مطبوعاتی و دیرپای اطلاعات به برگزیدگان این قلمرو تقدیم شود. در راستای گرامیداشت قلم و پاسداشت آنها که یک عمر قلم زدند تا مشعل آگاهی و دانایی و فرهنگ و اندیشه را روشن و مشتعل نگه دارند و به دست نسل بعد بسپارند. و این سخن نظامی، داستان حرمت و حریم قلم و روایتگر قداست و قیمت ارجمند آن است از ازل تا ابد که - به گفته حافظ - فرصت درویشان است:

جنبش اول که قلم برگرفت حرف نخستین ز سخن درگرفت  
چون قلم آمد شدن آغاز کرد چشم جهان را به سخن باز کرد

## نگاهی به زندگی و آثار محمدعلی علمی، نویسنده و پژوهشگر اهل بم

### علمی که بود و چه کرد؟



• حسام فروزان

که حدود ۸ سال زمان برای تالیف آن صرف شد. اثری تحقیقی و پژوهشی با عنوان فرعی «بررسی و توضیح هزار و یک شب و قصه های ایرانی بر اساس مبانی اسطوره ها» که از سوی نشر آموت در سال ۹۷ منتشر شد.

علمی جوایز ادبی را برای نویسندگان انگیزه بخش و لازم می دانست. بارهای جایزه گرفت (از جمله دو بار برنده کتاب سال ایران شد) و در مقام داور و دبیر علمی نیز با جشنواره های مختلف همکاری داشت. برای مثال جشنواره طنز چرند و پرند به دبیری او برگزار شد. در سال ۱۳۸۴ نیز دبیر جشنواره طنز و کاریکاتور بم بود.

محمدعلی علمی در طنز هم دستی توانا داشت و کارهایی کرد که هیچکس سراغشان نرفته بود. در زمینه ی پژوهش های مربوط به طنز، این آثار را منتشر کرده است:

۱. طنز در آمریکا (جلد اول) با داستان هایی از طنزنویسان مشهور آمریکا مانند مارک تواین، ویلیام سارویان، جیمز تربر، ارسکین کاللول به همراه نقد و بررسی آنها ۲. طنز در مثنوی مولانا جلال الدین ۳. انواع طنز در گلستان سعدی ۴. طنز و شیوه های داستانی در بوستان ۵. طنز در دوره پهلوی با نقد و بررسی آثار طنزنویسان آن زمان ۶. طنز ایران از مشروطه به بعد (جلد اول) ۷. بررسی انواع طنز در خارستان اثر حکیم قاسمی کرمانی ۸. داستان طنز جدید در ایران ۹. قصه اساطیر

#### رمان های طنز:

۱. شاهنشاه در کوچه دلگشا
۲. من نوکر صدامم ۳. وقایع نگاری بن لادن ۴. جناب آقای دیو

همچنین علمی در زمینه ادبیات کودک و نوجوان کتاب «گذر از کوه کبود» را منتشر کرده است. در تحلیل قصه های ایرانی نیز می توان به کتاب «اساطیر افسون و ش» و اشاره کرد. اوچ کار او در دهه های هفتاد و هشتاد بود. در رمان «ظلمات» راجع به زلزله بم نوشت: «مردم این شهر در صبح یک از روزهای زمستان ۱۳۸۲ شاهد عبور خونبارترین کاروان جهان از شهرشان و به غارت رفتن سرمایه فرهنگی شان بودند.»

#### سرانجام علمی چه شد؟

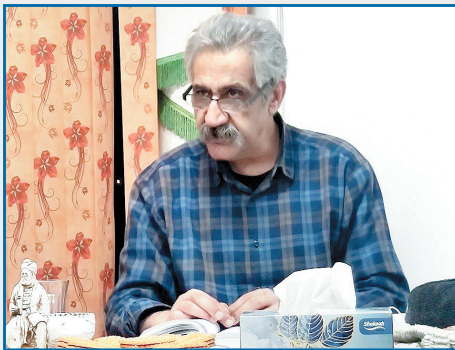
علمی در شانزدهم فروردین ۱۳۴۰ به دنیا آمد و در شانزدهم اردیبهشت ۱۴۰۳ از دنیا رفت. در ۶۳ سالگی. آیا این اعداد رمزی با خود دارند یا صرفاً از سر تصادف شبیه هم شده اند؟ آیا عجیب نیست که بسیاری از هنرمندان در شصت و سه سالگی این دنیا را ترک می کنند؟ علمی خود البته راوی رمز و رازهای اساطیری این عالم بود. او عمرش را پای فرهنگ و ادبیات دیرپای این مرز و بوم کهن گذاشت و همچون برخی دیگر از نویسندگان پاکبخته این ملک، نه آنچنان که باید قدر دید و نه بر صدر نشست.

در تنهایی خودخواسته و در شهری که بدان تعلق داشت پر کشید و به جهان اساطیر بازگشت. ده سال تنهایی و کنج عزلت و خلوت گزیدن کم چیزی نیست اما دوستان زیادی داشت. در عین حال اهل گپ و گنده و محفل های ادبی و باندبازی نبود. یکد بود و در هیچ گروه و دسته ای نمی گنجید. او سیاست خوانده های گریزان از سیاست بود. درباره تنهایی خود خواسته اش گفته بود: «آدم خوشحال می شود در جامعه ادبی باشد، اما وقتی می گویند نویسنده قرن نوزدهمی هستی، پست مدرن نیستی، نویسنده نیستی، آدم ترجیح می دهد تنها شود که این تنهایی، تنهایی خوشحال کننده ای نیست بلکه سخت و دردناک است.»

او آنقدر به بوم و برش علاقه داشت که سرانجام نیز در قطعه هنرمندان شهر زادگاهش به خاک سپرده شد و آرام گرفت. آثار گوناگون و ارزشمند او باید تا سال ها خوانده و نقد شوند. بهشت مینو نصیب روح بلندش باد.

که نامش در شاهنامه و در داستان «هفتواد» آمده است. بدیهی است که چنین آدمی با چنان شرایط، موجودی غیرعادی بار بیاید، غرق در خیالات اساطیری و علاقمند به فرهنگ مردم.»

علمی تحصیلات متوسطه را در بم و کرمان به پایان برد و پس از آن در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران در رشته علوم سیاسی به تحصیل پرداخت. داستان نویسی را بصورت خودآموزته با خواندن فراوان و مشاهده و روایت زندگی مردم کوچه و بازار و ایلات و عشایر یاد گرفت. کار روزنامه نگاری را در دهه شصت با روزنامه اطلاعات شروع کرد و بعد به همکاری با ماهنامه «دبستان» رسید. در مجله ادبستان مسئول بررسی مقالات بود و همزمان کار روی فرهنگ عامه را هم آغاز کرد. در همان سال ها شاگرد سید ابوالقاسم انجوی شیرازی (مشهور به پدر فرهنگ مردم) بود و آخرین مصاحبه مطبوعاتی با او را انجام داد که در ادبستان چاپ شد. چند سالی هم در بخش آموزش داستان نویسی مجله جوانان مشغول بود. حرفه های



دیگری مانند معلمی را هم تجربه کرد و مدتی هم کارمند وزارت ارشاد کرمان بود.

#### علمی چه کرد و چه نوشت؟

علمی را می توانیم نویسنده و پژوهشگر و اسطوره شناس پر کاری بدانیم که همیشه چند کتاب چاپ نشده یا در دست چاپ داشت. تسلط عجیبی بر ادبیات کهن ایران داشت و روی شاهنامه خیلی کار کرده بود. در رمان هایش ارجاعات فراوانی به افسانه ها و اساطیر کهن ایران دیده می شود. از این نظر نویسنده ای منحصر به فرد و بی نظیر است. برخی از منتقدان رمان «پربیداد» او را «صد سال تنهایی» ادبیات ایران نامیدند و تجربه ای مهم در خلق رئالیسم جادویی ایرانی. «سوگ معان» او نیز از تبار «یوف کور» دانسته شده است.

او در رمان های «ظلمات» و «پربیداد» تجربه تلخ زلزله بم را روایت کرده است. حادثه ای که در آن بسیاری از خویشاوندانش را از دست داد. علمی مدت ها در تهران با دوست و همشهری هنرمندش ایرج بسطامی (خواننده موسیقی سنتی اهل بم) همخانه بود. تالیف ده ها عنوان کتاب با موضوعات داستانی و پژوهشی و صدها عنوان مقاله مطبوعاتی و پژوهشی حاصل یک عمر فعالیت های او بود. از رمان های معروف علمی می توان به این آثار اشاره کرد:

۱. سوگ معان ۲. آذرستان ۳. ظلمات ۴. آندوهگر ۵. پربیداد ۶. داستان های غریب مردمان عادی ۷. هزار و یک شب نو ۸. خانه کوچک ۹. عطای پهلوان

رمان «آذرستان» او در سال ۱۳۷۷ کتاب برگزیده سال از سوی وزارت ارشاد وقت و رمان طنز «شاهنشاه در کوچه دلگشا» برنده سی سال رمان طنز ایران شد. او با آذرستان و البته رمان شاهنشاه در کوچه دلگشا به شهرت و محبوبیت بیشتری رسید. رمان پربیداد نیز برنده بهترین رمان فصل شد. (سال ۱۳۹۰) یکی از شاخص ترین آثار او «قصه اساطیر» است

علمی را می توانیم نویسنده و پژوهشگر و اسطوره شناس پر کاری بدانیم که همیشه چند کتاب چاپ نشده یا در دست چاپ داشت. تسلط عجیبی بر ادبیات کهن ایران داشت و روی شاهنامه خیلی کار کرده بود. در رمان هایش ارجاعات فراوانی به افسانه ها و اساطیر کهن ایران دیده می شود. از این نظر نویسنده ای منحصر به فرد و بی نظیر است. برخی از منتقدان رمان «پربیداد» او را «صد سال تنهایی» ادبیات ایران نامیدند.

#### علمی، راوی اساطیر سرزمین کهن

اوایل دهه هشتاد بود من در کرمان دانشجو بودم و دبیر سرویس جوان هفته نامه فردوس کویر. یکبار در ستون هفتگی ام راجع به هويت ایرانی نوشته بودم و توجه به شاهنامه فردوسی و این که باید بالآخره هويت خودمان را باز یابیم و از این سرگردانی میان شرق و غرب عالم و دست و پا زدن میان سنت و تجدد نجات پیدا کنیم و الخ. محمدعلی علمی یادداشتم را خواند و جوابیه ای بر آن نوشت که در شماره بعدی چاپش کردیم. به سردبیر پیام داده بود که می خواهد با من صحبت کند

زنگ زدم و خیلی گرم و صمیمی از همان اول با اسم کوچک صدامم زد و با لهجه شیرین بمی گفت بیا با هم گپی بزنییم. رفتم نشستیم توی باغ ملی و یکی دو ساعتی حرف زدیم. آنجا بود که این همشهری خوش قلم مان را برای اولین بار دیدم. سال ها پیش در ماهنامه «دبستان» داستان هایش را خوانده بودم. فکر کنم رمان «آذرستان» را در نیستان به صورت دنباله دار منتشر کرده بود. بعدها در هفته نامه

دوست داشتی «مهتر» هم یادداشت هایش را می خواندم. جوان بودم و در ابتدای راه و علمی گویی داشت از راهی طی شده حرف می زدم می خواست پدرا نه باشاید هم برادرانه راه را برایم روشن کند. از رگ و ریشه ام پرسید و پدرم که متولد بم بود و علمی خاندان پدری و محله شان را می شناخت. گفت برای این که راحت را پیدا کنی و گم نشوی باید شرق و غرب را همزمان خوب بخوانی؛ هم فلسفه و هم ادبیات و شعر. در فرهنگ غرب باید کانت و هگل و نیچه را بخوانی و به یونگ و فروید برسی. از کتاب «انسان و سمبول هایش» یونگ اسم برد و این که برای شناختن انسان قرن بیستم باید یونگ و فروید را خوب فهمیده باشی. از شرق هم باید سهروردی را بخوانی و به ملاصدرا برسی و از آن طرف با مولانا و حافظ و سعدی هم انس گرفته باشی.

با چشم های درشت و عسلی رنگش عمیق و آرام آدم را نگاه می کرد. انگار می خواست از هزار توهایی روح انسان خبری بدهد. گرم و بی شلیله پیله و عارف مسلک به نظر می آمد. از چهره اش معلوم بود بسیار درد کشیده و رنج بسیار برده تا راوی رنج های سرزمینی کهن شود. با فرهنگ عامه و فولکلور و امثال و حکم و افسانه های دیر کرمان دمخور بود. گاهی نگاهش شبیه غریبه ای بود که گویی از جهان جن و پریان به سرزمین آدمها آمده بود... آن روز چیزهایی گفت و راهی نشان داد که تا سال ها خاطر من ماند...

#### محمدعلی علمی که بود؟

علمی در ۱۶ فروردین ۱۳۴۰ در شهرستان بم متولد شد. زادگاه او در شخصیت و نوشته هایش نقش زیادی دارد تا جایی که می توانیم او را یکی از نمونه های شاخص نویسندگان اقلیمی محسوب کنیم. خودش درباره محل زادگاهش چنین نوشته است: «در فروردین سال چهل در شهر باستانی، سرفراز و اسطوره ای بم متولد شدم، محله ما همان محله ای بود